



حجت الاسلام و المسلمین سید عبدالعزیز حکیم

یادها و یادگارهایی از استاد...

خانه‌اش تحت مراقبت و کنترل شدید قرار داشت. اتفاق جالبی که در آن شرایط سخت روی داد این بود که در ماه اول یا دوم محاصره منزل آیت‌الله صدر، آقای ذابئی به نجف آمد و آشکارا قصد رفتن به خانه آیت‌الله صدر را داشت که در اثر ورود ایشان جنجالی به پا شد. مأموران سازمان امنیت بسیار برآشفته شدند و همه بی‌سیمهای سازمان به کار افتادند. همین امر نشان می‌داد که رژیم بعث چقدر از این‌گونه رشادتها می‌ترسد. آیت‌الله صدر و مردم، بسیار از این حرکت تقدیر کردند و شجاعت آقای ذابئی را ستودند، اما مزدوران رژیم، ایشان را برگرداندند.

با وجود کنترل شدید، من توانستم به هر شکل ممکن با آیت‌الله صدر تماس بگیرم. غیر از چند تن از انقلابیون، هیچ‌کس از این ارتباط اطلاع پیدا نکرد. شهید صدر حتی در آن محاصره قوی هم، همچنان مردم را به حرکت تشویق می‌کرد. مردم عراق سالها بود که حرکت مسلحانه‌ای انجام نداده بودند و جز به فتوای مرجع مورد قبول و تقدیرشان، نمی‌شد آنها را به حرکت در آورد.

فتوای قتال و عفو حکومتی!

شهید صدر به شکلی آشکار فتوای مبارزه مسلحانه و کشتن برخی از مسئولین را طبق ضوابط معین، صادر کرد و مابین فتوای راه‌اطلاع مجریان امور رساندیم. هم‌زمان با محاصره منزل آیت‌الله صدر، دستگیریه‌ها و زندانها و شکنجه‌های جوانان و مبارزان عراقی ادامه داشت. در روزهای عید بود که بعضی از مسئولین حکومتی، مسئله عفو از جانب حکومت را مطرح کردند. شهید صدر چندان به این مسئله اعتنا نکرد و بار دیگر برای مردم درباره آزادی و ایمان و اعتقاد به مکتب سخن گفت. آیت‌الله صدر همچنان بر مواضع خود استوار ماند و محاصره خانه تا ماه ربیع‌الثانی ۱۳۶۹ ادامه پیدا کرد.

مذاکره

دولت عراق یکی از مزدوران خود به نام شیخ عیسی خاقانی را نزد آیت‌الله صدر فرستاد تا حمایت و تأیید وی را برای رژیم بعث جلب کند، ولی شهید صدر او را رد کرد. در آن روزها، محاصره منزل اندکی رفع شد و بعضی از مردم اجازه داده شد که وارد خانه آیت‌الله صدر شوند. حکومت بعث امیدوار بود با طولانی شدن محاصره، آیت‌الله صدر از مبارزه منصرف شود و چند تن از هم فرستاد و او را خواست دست از حمایت از جمهوری اسلامی بردارد. همچنین از وی خواست فتوای تحریم رژیم بعث را لغو و مواضع مسلحانه را تحریم کند تا جوانان علیه رژیم بعثی فعالیت نکنند. اما در هیچ‌یک از این زمینه‌ها موفق نشد و آیت‌الله صدر همچنان به پشتیبانی از امام و حکومت جمهوری اسلامی ادامه داد.

سرانجام رژیم عراق نتوانست استقامت و ثبات قدمی را بشکند و آیت‌الله صدر را همراه با خواهرش، بنت‌الهدی، بازداشت و شکنجه کرد و به شهادت رساند. گفته‌اند که صدام شخصاً آیت‌الله صدر و خواهرش را به شهادت رسانده است.

سلوک اخلاقی

آیت‌الله صدر اخلاق عالی‌ه‌ای داشت و رفتارش در برابر همه مردم، از بزرگ و کوچک، مانند انبیاء بود. یادم هست در یازده سالگی، کتاب بسیار کوچکی را درباره آموزش نماز خواندن نوشتم که بیشتر از ده صفحه نمی‌شد. در عالم کودکی فکر کردم بهترین کسی که می‌تواند کتاب مرا تصحیح کند، آقای صدر است. روزی که نزد ایشان رفتم، داشت درس خارج می‌داد. با آنکه مرتباً هم بسیار پایین بود، ایشان بسیار محترمانه از من استقبال کرد و کتابم را گرفت و بعد از چند روز با توضیحاتی که بر آن نوشته بود، به من برگرداند و گفت: «اگر پدرت این کتاب را چاپ نکرد، من حاضرم چاپ کنم». کسی را ندیده‌ام که با یک کودک این‌طور رفتار کند. او می‌توانست پیگیری کار مرا به یکی از شاگردانش بسیار، اما این کار را نکرد و برای همیشه، خاطره‌ای بسیار دلپذیر و مؤثر را در ذهن من باقی گذاشت.

جماعت به امامت کسانی بود که از سوی مراجع انتخاب نشده بودند. این اقدام برای دولت خیلی گران تمام شد. چون حکومت بعث با تلاش پیگیر و در طی سالها توانسته بود مزدورانش را در بعضی از مساجد بگذارد و مردم را با خدعه و نیرنگ جذب کند و لذا فتوای تحریم چنین نمازی، مشکلاتی را برای حکومت بعث ایجاد کرد.

مبارزه مسلحانه

شهید صدر به تدریج با شخصیت‌های اسلامی داخل و خارج عراق ارتباط برقرار کرد و از آنها خواست که علیه رژیم کافر صدام از مرحله مبارزات سیاسی، وارد مبارزات مسلحانه شوند. در نتیجه، حرکت و شعارهای علما علیه این رژیم، صورت علنی و آشکار پیدا کرد و اعلامیه‌هایی علیه حکومت در میان مردم پخش شدند. از مهم‌ترین اقدامات شهید صدر در این مرحله، مهیا کردن طلاب و روحانیون متعدد برای شهادت بود. ارتباطات ایشان با انقلابیون به صورت خاص و مخفی و یا طی دروس عام ایشان انجام می‌شدند. کلاسهای درس ایشان ظاهراً تفسیر موضوعی قرآن، ولی عملاً درس سیاسی بود. حکومت بعث هم متوجه این جریان شده بود و بسیاری از مزدورانش را می‌فرستاد تا این جریان را زیر نظر داشته باشند. شهید صدر در تمام جلسات خاص و گاهی در درس تفسیر قرآن، صراحتاً اعلام می‌کرد که برای شهادت آماده است و این سخن در مخاطبان وی تأثیر فراوان داشت. امام در آخرین تلگرامی که برای شهید صدر فرستادند، از وی خواستند که در عراق بماند و نجف را ترک نکند. جوانان مسلمان و مبارز عراقی، بسیار تحت تأثیر این پیام قرار گرفتند و گرد آیت‌الله صدر جمع شدند و اعلام کردند که از وی حمایت خواهند کرد. پس از این جریان، یک هفته طول کشید که رژیم بعث، آیت‌الله صدر را دستگیر کرد.

وایسین روزها

صبح روز دوم رجب بود که مزدوران بعثی به سرکردگی «ابوسعبد»، رئیس سازمان امنیت نجف، خیابانهای منتهی به خانه آیت‌الله صدر را محاصره کردند. آیت‌الله صدر به هنگام دستگیری، درباره کافر بودن رژیم بعث با مأموران صحبت کرد. پس از بازداشت آیت‌الله صدر و دو تن از طلبه‌های وی، تظاهرات مهمی در نجف، کربلا، کاظمین و شهرهای دیگر عراق صورت گرفت و حکومت بعثی از ترس گسترش تظاهرات، پس از حدود ۱۲ ساعت، ایشان را به خانه‌اش برگرداند، اما خانه و همه کوجه‌ها و خیابانهای منتهی به آن را تحت نظر گرفت.

این وضعیت تا روز جمعه ۲۱ رجب ادامه پیدا کرد. در این روز، رژیم بعثی، حدود ۸۰ تا ۱۰۰ نفر را که در خانه آیت‌الله صدر جمع شده بودند، دستگیر کرد. این مسئله، شهید صدر را بسیار ناراحت کرد. آیت‌الله صدر در حدود ده ماه با اعضای خانواده‌اش که متشکل از پنج کودک، یک مادر پیر، خواهرش و یکی از طلبه‌هایش بود، در

من از دوران کودکی، آیت‌الله صدر را می‌شناختم و خانواده ما با خانواده ایشان رفت و آمد داشت. همیشه احساس می‌کردم که ایشان یک فرق مهمی با بقیه روحانیونی که با آنها برخورد داشتم، دارد. کسانی هم که ایشان را می‌شناختم، همیشه از تفکر و درایت و ایمان ایشان، تعریف می‌کردند. پس از رحلت پدرم، علاقه من به ایشان بسیار بیشتر شد و جزو کسانی بودم که با آیت‌الله صدر کار می‌کردند و من این را از الطاف الهی می‌دانم.

مبارزات سیاسی

آیت‌الله صدر از سال ۱۹۵۸ میلادی و پس از کودتای عبدالکریم قاسم در عراق، مبارزات خود را آغاز کرد و در همین سالها بود که دو کتاب مهم «فلسفتنا» و «اقتصادنا» را نگاشت. شهید صدر علیه مارکسیسم، فعالیت زیادی می‌کرد و چند تن از علمای نجف، به دعوت ایشان جامعه روحانیت مبارز را سازماندهی کردند و از همین رو جان ایشان هم مانند سایر علمایی که در مبارزات شرکت داشتند، در معرض خطر جدی قرار گرفت. شهید صدر در عراق صاحب موقعیت خاصی بود و لذا حکومت عراق از جانب ایشان احساس خطر می‌کرد. کتابهای شهید صدر در جوانان مکتبی و مسلمان، تأثیر فراوانی را بر جانها بود و لذا حکومت سعی داشت ایشان را طرد کند و ما حتی از منابع موثقی شنیده بودیم که کمونیسم بین الملل مطالعه کتابهای ایشان را تحریم کرده است. مبارزات آیت‌الله صدر ابتدا در سایه مرجعیت آیت‌الله حکیم و پس از فوت ایشان، همچنان ادامه پیدا کرد و همه حکومت‌های عراق، به ویژه حکومت بعث، شدیداً از طرف ایشان احساس خطر می‌کردند، به همین دلیل بارها ایشان را دستگیر کردند و شکنجه دادند و اهانت‌های بسیاری را نسبت به ایشان روا داشتند. من و بسیاری از جوانان مسلمان و مکتبی عراق اعتقاد داشتیم که آقای صدر رهبر حقیقی و تنها کسی است که می‌خواهد در عراق، دولتی اسلامی را اقامه کند.

تأثیر انقلاب ایران

شهید صدر قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به طور محدودی از انقلاب تأثیر می‌گرفت، ولی بعد از پیروزی، این تأثیر به شکل بسیار بارزی جلوه کرد. شهید صدر پیوسته به فکر امام خمینی (ره) و مردم ایران بود. او تنها کسی بود که پس از سفر امام (ره) از نجف اشرف، درس‌هایش را در حوزه تعطیل و این مسئله را به شکلی واضح مطرح کرد. بعدها هم با امام و شخصیت‌های دیگر انقلاب اسلامی در پاریس، تماس‌های مکرر داشت و همین امر، موجب ناراحتی شدید حکومت بعث عراق و رژیم کافر صدام را فراهم آورد. آیت‌الله صدر همچنین به هنگام اوجگیری انقلاب مردم مسلمان ایران علیه شاه، نامه‌ای نوشت و برای مردم ایران فرستاد. آیت‌الله صدر به این ترتیب در خط دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی حرکت می‌کرد. او جوانان را خصوصاً در روزهای جمعه در مجالس جمع می‌کرد و برای آنها از انقلاب اسلامی ایران و امام امت سخن می‌گفت و از آنها می‌خواست که در این خط حرکت کنند. شهید صدر اولین کسی بود که به مناسبت شهادت آیت‌الله مطهری، در نجف اشرف مجلس فاتحه‌ای برگزار کرد و حکومت بعث به شدت از این اقدام ناراحت شد.

ایشان ورود به حزب بعث عراق را آشکار تحریم کرد. همچنین پیوسته مردم عراق را به پشتیبانی از مردم مسلمان ایران و امام امت تشویق می‌کرد. ایشان در همان شب پیروزی انقلاب اسلامی، در مسجد جواهری نجف اشرف برای طلاب سخنرانی و خداوند را برای این پیروزی، شکر کرد. سپس عده‌ای از طلاب و نزدیکانش را به بعضی از شهرهای عراق فرستاد تا در آنجا مردم را به دفاع از خط ولایت فقیه و انقلاب اسلامی تشویق کنند.

تحریم نماز جماعت بعثیون

از فعالیت‌های مبارزاتی شهید صدر علیه رژیم بعثی، تحریم نماز

